

تحلیل مفهوم «تقوا» در اندیشه حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) و نقد ترجمه‌های معاصر قرآن کریم از آن

| محسن فریادرس^{۱*} |
| زهرا عبادی^۲ |
| رضا امانی^۳ |
| علی حاجی‌خانی^۴ |

چکیده

یکی از دستاوردهای علمی قرآنی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، گسترش و عمق‌یابی ترجمه‌های قرآن کریم است. گرچه این نهضت بزرگ با تدقیق و توجهات ظریف از سوی مترجمان در سبک‌های مختلف ترجمه همراه بوده، اما گاهی نیز دچار ضعف‌هایی شده‌اند. از جمله این نقاط ضعف را می‌توان در برگردان برخی واژگان کلیدی همچون «تقوا» و دیگر مشتقات آن مشاهده کرد. پژوهش حاضر نیز با هدف دست‌یابی به معنایی صحیح و کامل این واژه و با ابزار کتابخانه‌ای و روش توصیفی - تحلیلی در ارزیابی داده‌ها، به تحلیل مفهوم و معادل واژه «تقوا» در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته و سپس با تطبیق آن بر تعدادی از ترجمه‌های فارسی معاصر قرآن (ترجمه‌های مرحوم فولادوند، آیت‌الله مکارم‌شیرازی، مرحوم آیت‌الله مشکینی و دکتر رضایی‌اصفهانی) از این ماده، به ارزیابی آن‌ها اهتمام ورزیده است. برآیند این پژوهش، کشف معنایی برتر نسبت به دیگر معانی متداول برای این واژه می‌باشد؛ امری که چهار مترجم یادشده

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه آیت‌الله العظمی بروجردی (ره).

*Email: m.faryadres@chmail.ir

۲. استاد مدعو دانشگاه علوم معارف قرآن کریم، کرمانشاه.
۳. دانشیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، تهران.
۴. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس.

An Analysis of the Concept of “Taqwa” in Ayatollah Khamenei’s Thought and A Critique of Contemporary Persian Translations of Holy Quran

Mohsen Faryaders *

Assistant professor of the Quranic Sciences and Hadith Department, Grand Ayatollah Boroujerdi University

Zahra Ebadi

Visiting professor at University of Quranic Sciences and Islamic Knowledge, Kermanshab

Reza Amani

Associate professor of the University of Quranic Sciences and Islamic Knowledge, Tebran

Ali Hajikhani

Associate professor of the Quranic Sciences and Hadith department, Tarbiat Modares University

Abstract

One of the scholarly achievements in Quranic studies following the Islamic Revolution has been the proliferation and deepening of Qur'anic translations. Although this vast movement has been accompanied by precision and subtle attention on the part of translators in various translation styles, it has sometimes suffered from weaknesses. One of these weaknesses can be seen in the translation of some keywords such as "taqwa" (piety) and its derivatives. The present study, with the aim of achieving a correct and complete meaning of this word and using a library-based method and a descriptive-analytical approach in data evaluation, has analyzed the concept and equivalent of the word "Taqwa" in Ayatollah Khamenei's thought and then, by comparing it with a number of contemporary Persian translations of the Quran (translations by the late Fouladvand, Ayatollah Makarem Shirazi, the late Ayatollah Meshkini, and Dr. Rezaei Isfahani), has evaluated them. The result of this research is the discovery of a higher meaning compared to other common meanings for this word; a matter that the four mentioned translators have generally had a considerable distance in reflecting it in their translations. However, Ayatollah Makarem Shirazi has performed better than other translators in translating it..

Keywords: Quranic translation, Taqwa, Contemporary Persian Translations, Ayatollah Khamenei.

* Email: m.faryadres@chmail.ir (Corresponding Author)

در بازتاب آن در ترجمه خود، اغلب فاصله قابل تأملی داشته‌اند. با این حال آیت‌الله مکارم‌شیرازی در برگردان آن نسبت به دیگر مترجمان در این زمینه عملکرد بهتری داشته‌اند.

واژگان کلیدی: ترجمه قرآن، تقوا، آیت‌الله خامنه‌ای، ترجمه‌های فارسی معاصر.

۱. مقدمه

ترجمه قرآن کریم پس از انقلاب اسلامی، کارنامه پُر برگ‌وباری داشته است. تا آنجاکه از یک‌سو در سه دهه گذشته به والاترین جایگاه تاریخی خود رسیده و از سوی دیگر، بیش‌ترین ترجمه‌های قرآن کریم به فارسی در همین دوره منتشر شده است. همین امور هم سبب شده تا این دوره نهضت ترجمه قرآن محسوب شود (ناصری، ۱۳۹۳: ۱۴۸). با وجود این، ترجمه‌های قرآن دارای ضعف‌هایی نیز هستند که شاید بتوان این امر را بیش‌تر در حوزه معادل‌یابی واژگان مشاهده کرد؛ چراکه معنای دسته‌ای از الفاظ قرآن به دلایل مختلفی، نیازمند ژرف‌اندیشی، تأمل و بررسی است که از دیرزمان مفسران و اهل لغت و حتی علمای علم بلاغت در این زمینه به پژوهش پرداخته و در کتاب‌های تفسیری، لغوی و بلاغی با واکاوی و تحلیل، تلاش کرده‌اند از معانی این دسته از الفاظ پرده بردارند. از این جهت مترجم باید با دقت و توجه کافی، مفاهیم واژگان را به خوبی تحلیل و تبیین نموده و با بهره‌گیری از نظریات قرآن‌پژوهان و اندیشمندان برجسته و زبردست این حوزه، به بهترین شکل ممکن، واژه را به زبان مقصد برگرداند.

یکی از اندیشمندان و قرآن‌پژوهان برجسته و حاذقِ زمان حاضر، آیت‌الله خامنه‌ای هستند که با دقت در بیانات متنوع اجتماعی، عبادی و سیاسی ایشان می‌توان دقت‌های ظریف ایشان را در امر ترجمه قرآن، به‌ویژه معادل‌یابی واژگان قرآن مشاهده کرد؛ از جمله این موارد می‌توان به مباحث عمیق ایشان در قبل و بعد از انقلاب درباره واژه «تقوا» اشاره نمود که حاکی از دقت نظر ایشان در پرده برداشتن از ابعاد گسترده این کلمه است. در ادبیات فارسی و به تبع آن، در ترجمه‌های فارسی قرآن معانی متعددی برای این واژه با کیفیت‌های اشتباه، تقریبی و صحیح ذکر شده که با تدقیق خاص‌تری که از سوی آیت‌الله خامنه‌ای برای معادل‌یابی آن صورت پذیرفته، معنای جامع‌تر و رساتری برای آن مستفاد شده است. از این‌رو مقاله حاضر درصدد برآمده تا ابتدا اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای درباره ترجمه قرآن را ذکر کرده، سپس با احصای مباحث ایشان درباره معنای واژه پُر مغز «تقوا»، ابتدا آن‌ها را با استناد به کتب لغت، تفسیر و بافت قرآن مورد تحلیل و واکاوی قرار داده و در نهایت معادل به‌دست آمده را بر ترجمه‌های «مرحوم فولادوند، آیت‌الله مکارم‌شیرازی، مرحوم آیت‌الله مشکینی و دکتر رضایی اصفهانی» مورد تطبیق قرار داده و به آسیب‌شناسی آن‌ها بپردازد. گفتنی است، علت‌گزینش این ترجمه‌ها، معاصر بودن، اعتبار، رواج، شهرت و نوعاً مراجعه عموم به آن‌ها است.

در این مقاله به پرسش‌های زیر پاسخ داده خواهد شد:

- ۱- مفهوم واژه تقوا در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای چیست؟ آیا نوآوری در معنای این واژه نسبت به آنچه متداول است، مشاهده می‌شود؟
- ۲- تحلیل معنای واژه تقوا در کتب لغت و تفسیر تا چه اندازه مؤید دیدگاه ایشان است؟
- ۳- در ترجمه‌های فارسی معاصر چه معادل‌هایی برای این واژه گزینش شده است؟ عملکرد مترجمان محترم در این خصوص چگونه بوده است؟
- ۴- معادل‌های مترجمان مذکور چه نسبتی با مفهوم تقوا نزد آیت‌الله خامنه‌ای دارد؟

۲. روش تحقیق

- با توجه به مطالب مذکور، مقاله به تحلیل مفهوم تقوا با روش توصیفی - تحلیلی پرداخته است. اصول کلی این روش به شرح زیر می‌باشد:
- الف) مطالعه بیانات و دیدگاه‌ها: مقاله با بررسی دقیق بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، مفهوم تقوا را از دیدگاه ایشان استخراج کرده است؛
- ب) تطبیق و مقایسه: مفهوم به دست آمده با ترجمه‌های مختلف فارسی معاصر قرآن کریم مقایسه شده است تا تفاوت‌ها و شباهت‌ها مشخص شوند؛
- ج) تحلیل لغوی و تفسیری: مقاله با استفاده از منابع لغوی و تفسیری معتبر، معنای دقیق و عمیق‌تر تقوا را بررسی کرده و با دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای تطبیق داده است؛
- د) ارزیابی ترجمه‌ها: ترجمه‌های معاصر قرآن از نظر دقت و صحت در برگردان مفهوم تقوا مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند؛
- ه) ارائه پیشنهاد: براساس تحلیل‌ها و مقایسه‌ها، پیشنهادات عملی و بهبوددهنده‌ای برای ترجمه‌های قرآنی ارائه شده است.

۳. پیشینه تحقیق

- درباره مفهوم‌شناسی «تقوا» و کاربرد آن در قرآن کریم تألیفات ارزشمندی از سوی قرآن‌پژوهان به سامان رسیده است که هر کدام از ویژگی‌هایی برخوردار بوده و نقش به‌سزایی در تفسیر و بیان آیات قرآن دارند. از جمله:
- الف) مقاله «تحلیل حوزه تقابل تقوا با تأکید بر روش معناشناسی ایزوتسو» از محمد شیرافکن، فاطمه صاحبیان و علی‌رضا قائمی‌نیا در مجله ذهن، دوره ۱۸، شماره ۷۱، صفحات ۱۹۸-۱۷۱؛
- ب) مقاله «تحلیل معنایی درجات تقوا در نهج البلاغه» از حمید احمدیان و علی سعیدآوی در مجله پژوهش‌های زبانشناختی قرآن، دوره ۱، شماره ۱، صفحات ۷۸-۶۵؛

ج) مقاله «تحلیل روزآمد وجوه معنایی واژه تقوا در قرآن» از اعظم پرجمی و زهره قدرتی اصفهانی در مجموعه مقالات نخستین همایش ملی واژه‌پژوهی در علوم اسلامی دانشگاه یاسوج در تاریخ ۱۳۹۵/۲/۳۰؛

همان‌طور که مشخص است، هریک از تألیفات مذکور به بررسی جنبه‌ای خاص از مفهوم واژه «تقوا» پرداخته است. لیکن در پژوهش حاضر رویکردهایی وجود دارد که آن را از آثار مذکور متمایز می‌سازد:

الف) گستردگی منابع و انعکاس آراء مغفول، نزد برخی محققان مشهور؛ ب) تبیین و تحلیل اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای درباره مدلول واژه «تقوا»؛ ج) ارائه معنایی متمایز و تقریباً نو؛ د) تحلیل و ارزیابی ترجمه‌های فارسی معاصر قرآن از واژه مذکور.

۴. ترجمه قرآن در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

مطالعه بیانات آیت‌الله خامنه‌ای از پیش از انقلاب اسلامی تاکنون نشان‌دهنده عنایت خاص ایشان به ترجمه‌های زیاد، خوب و صحیح متون اسلامی، به‌ویژه در قرآن است (رک: بیانات در تاریخ‌های ۱۳۶۸/۱۲/۱۴؛ ۱۳۷۹/۰۹/۱۷؛ ۱۳۸۴/۰۶/۰۸؛ ۱۳۸۷/۰۶/۱۲؛ ۱۳۹۰/۰۳/۰۳ و...). در زیر سه نمونه از توجهات معظم‌له به امر ترجمه قرآن ذکر می‌شود:

الف) در تحقیقی که درباره مبانی و قواعد تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای از متون جلسات تفسیری سوره توبه‌ای ایشان صورت گرفته و در سال ۱۳۹۶ در ضمن تفسیر این سوره توسط انتشارات انقلاب اسلامی چاپ شده، یکی از ویژگی‌ها و امتیازات این درس گفتار تفسیری «توجه به ترجمه‌های فارسی و گاهی نقد آن‌ها» ذکر شده و در تأیید آن به نقد ایشان در ترجمه آیه «إِخْدَى الْحُسَيْنِ» استناد شده است؛ (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۹۲) آنجا که ایشان می‌فرمایند: «حُسْنی»، مؤنث «احسن»، به معنای «نیک‌تر» است؛ [اما] اغلب در ترجمه فارسی، «إِخْدَى الْحُسَيْنِ» به اشتباه «یکی از دو نیک» معنا شده است.^۱ [درحالی‌که] «إِخْدَى الْحُسَيْنِ» یعنی «یکی از دو بهترین نیک».

(پیشین: ۳۵۲)

ب) همچنین، ایشان در تفسیر آیه «وَ إِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا» (الانفال: ۲) که در سال ۱۳۵۳ هجری شمسی ایراد شده و در کتاب «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» به چاپ رسیده، ضمن تأکید بر لزوم ازدیاد ایمان انسان مؤمن با تلاوت قرآن می‌فرمایند: «از این کلام خدا [وند] اتخاذ سند می‌کنیم و به آن کسانی که می‌گویند قرآن را ترجمه نکنید، معنا نکنید، تفسیر نکنید که عقل ما نمی‌رسد، به آن‌ها می‌گوئیم اگر ما قرآن را نمی‌توانستیم بفهمیم، چگونه ایمان ما با خواندن قرآن زیاد می‌شود؟ پس پیدا است، قرآن کتاب رمز نیست. قرآن کتابی است که باید آن را خواند به قصد فهمیدن، و فهمید

به قصد افزودن و نیرومند شدن ایمان» (خامنه‌ای، ۱۳۹۳: ۷۱).

ج) رهبر حکیم انقلاب در نامه‌ای نیز که در تاریخ ۱۳۷۵/۱۱/۱۷ برای تقدیر از دست‌اندرکاران برگزاری نمایشگاه قرآن در موزه هنرهای معاصر صادر کردند، به لزوم دقت و پابندی به اصول و موازین با عنایت به اهمیت نشر و ترویج قرآن کریم اشاره داشته و با روا نداشتن هیچ‌گونه سهل‌انگاری در این زمینه می‌فرماید: «ترجمه قرآن به فارسی هنوز در نیمه راه است و جا برای برتر شدن دارد. به زبان‌های دیگر هم این کار با همین توجه باید انجام گیرد».

در این بین، یکی از مسائل مهمی که همواره در بحث ترجمه قرآن، چه پیش از انقلاب اسلامی و چه بعد از آن مورد توجه ایشان بوده، معادل‌یابی صحیح و مناسب واژگان است. ایشان قبل از انقلاب گاهی ضمن آسیب‌شناسی معانی شایع واژگان، به ارائه معنای صحیح از واژه اهتمام داشتند؛ برای نمونه می‌توان به تحلیل معنای واژه‌های «کافر»، «بشارت»، «انسلاخ» و... در کتاب «تفسیر سوره‌ی براءت» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۱۱۱، ۱۱۳) و «توکل»، «انفاق»، «سمع» و... در کتاب «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» (خامنه‌ای، ۱۳۹۳: ۷۲، ۷۸، ۸۹) اشاره کرد.

این رویه معادل‌گزینی مناسب برای واژه در طول چهار دهه عمر با برکت انقلاب اسلامی نیز از سوی ایشان همواره دنبال شده که برای نمونه می‌توان این امر را در معادل‌یابی واژه‌هایی همچون «جهاد»، «صبر» و... مشاهده نمود (رک: بیانات در تاریخ: ۱۳۹۰/۰۱/۰۸؛ ۱۳۹۲/۰۴/۳۰). در حقیقت مطالعه تحلیل‌های معناشناسانه آیت‌الله خامنه‌ای نشان‌دهنده حاذقیت، تخصص و تبحر ایشان در این امر است.

بنابر آنچه که ذکر گردید، می‌توان اظهار داشت که یکی از مبانی تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای، توجه به مباحث لغوی است. ناگفته نماند که ایشان درباره استعمال لفظ در بیش از یک معنا، آنجاکه برای مثال دو معنا با یکدیگر متناقض و متعارض نباشند، بدون اشکال می‌دانند (رک: خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۵۸۵-۵۸۶).

۵. مفهوم تقوا در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

برای این مهم در زیر سه سطح «تبیین اندیشه»، «منطق پشتیبان» و «تحلیل» آن اندیشه مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۵-۱. تبیین اندیشه

بیش‌ترین توصیه در قرآن و روایات به مؤمنان، توصیه به تقواست و آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین و تحلیل معنای آن با تأکید بر لزوم پابندی به دستورات خداوند، مفهوم آن را چنین بیان می‌دارد: «معنای تقوا این است که هر آنچه را خدای متعال بر انسان تکلیف کرده است، انجام بدهد؛ واجبات

را به‌جا بیاورد و محرمات را ترك کند» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۰۳/۰۸).

آیت‌الله خامنه‌ای در جایی دیگر برای بیان معنای لغوی این واژه و در نقد افرادی که در تعریف تقوا صرفاً نماز و روزه و عبادت و ذکر و دعا را مدنظر می‌دهند، می‌فرماید: «ممکن است همه این‌ها در تقوا باشد؛ اما هیچ‌کدام از آن‌ها معنای تقوا نیست. تقوا، یعنی مراقب خود بودن. تقوا، یعنی یک انسان بداند که چه کار می‌کند و هر حرکت خودش را با اراده فکر و تصمیم انتخاب نماید؛^۲ مانند انسانی که سوار بر یک اسب رهوار نشسته، دهانه اسب را در دستش دارد و می‌داند کجا می‌خواهد برود» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۷/۰۲/۰۷) و یا «مثل کسی که در یک محوطه پوشیده از خارهای دامن‌گیر دارد حرکت می‌کند باید دائم حواسش باشد؛ یعنی زیر پایش را نگاه کند. [اگر غفلت نماید، خار دامن انسان را گرفته و لباس را پاره و پایش را مجروح می‌کند.]» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۰۳/۰۸).

نکته مهم و نهفته‌شده در معنای «مراقبت»، وجود نوعی «هوشیاری» است که رهبر حکیم انقلاب در جایی دیگر معنای تقوا را «مراقبتِ هوشیارانه از رفتار و حرکات و اعمال خود» ذکر کرده و بر این باورند که: «[تقوا یعنی مراقبت از] خار راه‌ها، لغزش‌گاه‌ها و جاهایی که نفس انسان قدرت آن را ندارد که با استقامت و با عدم تزلزل، به‌راحتی آن راه را بپیماید»، (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۶/۱۰/۲۶). «مراقبت از مسیر، مراقبت از در نیفتادن و دچار نشدن به مشکلات» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۹/۰۴/۰۷)، «سعی در حفظ خود در جاده مستقیم و صراط‌مستقیم» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۵/۰۶/۳۰).

ایشان در مناسبتی دیگر این معنا را با تعبیری دیگر، چنین بیان می‌کنند: «تقوا، عبارت است از اجتناب و پرهیز از خطا و گناه و اشتباه و آلودگی و ناپاکی و انحراف از راه و پیروی از هوس‌ها، و دل سپردن به خط مستقیم تکلیف و وظیفه» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۹/۱۱/۱۹). با این‌همه، ایشان با ارائه چند تمثیل، به تبیین این معنا پرداخته و برآند که: «تقوا یعنی پرهیز با حرکت نه پرهیز با سکون، [گاهی انسان در حال سکون پرهیز می‌کند؛ مانند اینکه شخص در خانه خود بنشیند و کاری به کار چیزی نداشته باشد و یا به‌خاطر اینکه ماشین به کوه برخورد نکند و از دره پرتاب نشود، شخص رانندگی نکند و یا پرهیز از کوهنوردی کردن و حرکت نکردن در خارزارها که خارهای مغیلان دامن او را نگیرد. این يك جور پرهیز است که اسلام این را به ما توصیه نمی‌کند؛] در حقیقت اسلام می‌گوید در سینه قضایا و واقعیت‌ها با حوادث روبه‌رو شوید و درعین حال پرهیز کنید. مانند راننده‌ای که رانندگی می‌کند، اما پرهیز هم می‌نماید» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۰۷/۲۴).

بنابر آنچه ذکر شد، معنای تقوا در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای «مراقبت» یا «پرهیز»ی است که حدّ اعلامی آن «مراقبت هوشیارانه دائمی از خود» می‌باشد. همچنین، دقت در بیانات ایشان نشانگر این است که معنای «پارسایی»، «کنترل کردن» و دیگر عبارات‌های هم‌سو نیز برای واژه تقوا مورد توجه می‌باشد (رک: خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۶/۰۲/۱۸؛ ۱۳۶۸/۰۸/۰۳؛ و... با وجود این، ایشان معنای «پرهیز» را مناسب‌تر از دیگر معانی برمی‌شمارد و از این‌رو تأکید دارند که «این پرهیز همان است که گفته شد، مراقبت کردن و مواظب خود بودن. پس کلمه پرهیز در اینجا یک کلمه‌ای درست است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۰۷/۲۴). از این‌رو می‌توان گفت که ترجمه واژه «تقوا» در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، «پرهیز» است و دیگر معانی یا تفسیر همین پرهیز هستند و یا اینکه آن بار معنایی مناسب را برای مخاطب نداشته و یا مناسب حال مخاطب نیستند.

۲-۵. منطق پشتیبان مفهوم «مراقبت کردن» و معادل «پرهیز» برای تقوا

پیش از تحلیل اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، باید منطق پشتیبان ایشان را در کتب معتبر و مشهور جست‌وجو و سپس براساس آن‌ها، مفهوم موردنظر ایشان را واکاوی کرد. برای نیل به این مقصود در ادامه سعی شده معنای واژه تقوا به ترتیب در کتب لغت، تفسیر و اخلاق ذکر شود:

تقوا در اصل «وَقْوَى» از مادّه «وَقَى» بوده و ۲۵۸ مرتبه در ۶۳ سوره و ۲۳۷ آیه به‌کار رفته و به‌واسطه ابدالی که در حرف «واو» صورت گرفته، به‌شکل کنونی درآمده است. فراهیدی، راغب و فیومی معنای «حَفْظُ الشَّيْءِ مِمَّا يُؤْذِيهِ وَيَضُرُّهُ: حفظ شیء از آنچه سبب آزار و آسیب آن می‌شود»، (فراهیدی، ۱۴۰۴ق: ۲۳۸؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۸۸۱؛ فیومی، ۱۴۱۴ق: ۶۶۹/۲) ابن‌فارس همین معنا را با عبارت «صانه: آن را صیانت کرد» (۱۴۰۴ق: ۱۳۱/۶) و ابن‌منظور آن را با عبارت «دَفَعُ شَيْءٍ عَنِ شَيْءٍ بَغِيرِهِ: دفع چیزی به‌وسیله چیزی دیگر» بیان کرده‌اند (۱۴۱۴ق: ۴۰۱/۱۵). زبیدی تمامی این معانی را به‌صورت «صَانَهُ وَسَتَرَهُ عَنِ الْأَذَى وَحَمَاهُ وَحَفِظَهُ: آن را از آزار صیانت بخشید و پوشش داد و از آن حمایت کرد و حفظش نمود، بیان کرده است (۱۴۱۴ق: ۳۰۴/۲). صاحب‌التحقیق نیز با تأیید همین معنا و با برشمردن آن موارد آزاددهنده می‌گوید، «وقی» به‌معنای «حفظ الشیء عن الخلف و العصیان فی الخارج فی مقام العمل»: حفظ شیء از خلاف و عصیان در ظاهر عینی و در عمل است و تقوای کامل به‌معنای صیانت شیء از محرّمات شرعی و عقلی، و توجّه به حق و به تطهیر عمل و به جریان طبیعی شناخته شده خواهد بود (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۳/۱۸۴) که راغب هم پیش‌تر این معنا را چنین ذکر کرده بود: تقوا در شرع به‌معنای حفظ نفس از آنچه موجب گناه می‌شود، است و این تنها با ترک مناهی و برخی از اعمال مباح ممکن است. (۱۴۱۲:

۸۸۱. از این رو بنا بر آنچه ذکر شد، معنای این واژه در کتب لغت مشهور «محافظة» یا «صیانت» یا «پوشاندن» و یا «خودداری» است.

طبری در تفسیر خود معنای «ترک حرام‌ها و ادای فرائض» را از حُسن بصری و «پرهیز از خدا در ترک آنچه از هدایت شناخته شده و امید به رحمت او وجود دارد» را از ابن عباس برای واژه متفین نقل کرده است (طبری، ۱۴۱۲ق: ۱/۷۷). طوسی نیز با اشاره به اینکه متقی کسی است که با انجام اعمال صالح، عذاب خدا را از خود دور می‌کند، تأکید دارد که این معنا از پرهیز انجام مکروه که انجام آن بین انسان و خدا حجاب ایجاد می‌نماید، گرفته شده است. همچنین، وی با لفظ قیل، معانی «ترک حرام‌ها و ادای واجبات»، «امیدوار به رحمت خداوند و پرهیزکننده از عذاب او» و «پرهیز کردن از شرک و دور شدن از نفاق» را نیز ذکر کرده است (بی تا: ۱/۵۴). به دنبال وی طبرسی نیز ضمن اشاره به اینکه همه تقوا در آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل: ۹۰) وجود دارد. دو معنای اولی موجود در تبیان را با لفظ «قیل» مورد تأکید قرار داده و شرط آن را با نقل قولی از کعب‌الأحبار «دوری و مراقبت» ذکر می‌کند. وی در نهایت با نقل حدیث «إِنَّمَا سُمِّيَ الْمُتَّقُونَ لِتَرْكِهِمْ مَا لَا بَأْسَ بِهِ خَذَرًا لِلْوُقُوعِ فِيمَا بِهِ بَأْسٌ: همانا متقین به دلیل پرهیز از مکروه و حرام، متقین نامیده شده‌اند» از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، از قول برخی نیز چنین نقل می‌کند که تقوا بدن معناست که خداوند انسان را در جایی که نهی کرده نبیند و او را در جایی که امر نموده، حاضر ببیند (۱۳۷۲: ۱/۱۱۸). صاحبان تفاسیر «التفسیر الکبیر» و «الدّر المصون» نیز اصل آن را از وقایه به معنای صیانت فراوان و شدت خودداری از انجام مکروهات بیان داشته‌اند و سمین «فرس واق» را در مثال آن اظهار داشته و بر این باور است که این کلام زمانی به کار می‌رود که اسب پای خود را برای جلوگیری از قرارگیری بر یک شیء آزاردهنده، با محافظت شدید بر زمین می‌نهد (فخررازی، بی تا: ۲/۲۶۷؛ سمین، ۱۴۱۴: ۱/۹۵).

صاحب آلاء‌الرحمان نیز با تأیید معانی پیش گفته، مراد از تقوای الهی را دوری جستن از امور ترسناکی مانند غضب خداوند و عذاب او اظهار داشته (بلاغی، بی تا: ۱/۶۴) و نهادندی متقیان را پرهیزکنندگان از عقاید فاسد و اعمال زشت عقلی ذکر کرده که خواهان ترقی در مسیر تقوایند (نهادندی، ۱۳۸۶: ۱/۱۹۳-۱۹۴). علامه طباطبایی نیز با تأکید بر همین معنای محافظت از خود در برابر آسیب‌ها، تحقق آن را با قرارگیری در یک محفظه ذکر کرده و معنای این حرف را پرهیز از حرام‌های خداوند و اجتناب از ارتکاب معاصی - که آدمی را به عذاب الهی می‌کشاند - بیان داشته (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۴/۲۴) و در جایی دیگر می‌گویند که اگر این واژه به خداوند نسبت داده شود، معنای آن دوری جستن از عذاب الهی است (پیشین، ۱۴۱۷ق: ۶/۲۶۹). فضل‌الله نیز در «من وحی القرآن» با تأیید همین معنای صاحب‌المیزان، به صحت معنای «ترس» اشاره داشته و می‌گوید:

به اعتبار اینکه ترس سبب دوری انسان از چیزهایی می‌شود که برای او ضرر دارد، این معنا در عرف نیز مورد نظر است (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق: ۱/ ۱۰۰-۹۹). در این بین، صاحب تفسیر تسنیم نیز همان معنای مورد عنایت علامه طباطبایی را این‌گونه ذکر می‌کند که این واژه به معنای پناه گرفتن بوده و متقی کسی است که در جنگ با پوشیدن زره و بر داشتن سپر، خود را در حفاظی قرار می‌دهد تا از دشمن آسیب نبیند. از این جهت وی متقی را در فرهنگ قرآن کریم کسی می‌داند که با ایمان و عمل صالح برای خود ملکه‌های نفسانی فراهم می‌سازد تا او را از آسیب‌های درونی (هوای نفس) و بیرونی (شیطان) مصون بدارد (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹: ۲/ ۱۳۲-۱۳۳). بنابراین، معنای این واژه در کتب تفسیر همان مراقبت از خود است با قرار گرفتن در یک محفظه که منظور از آن، «پرهیز کردن» از هر عملی است که با کمال نفس منافات دارد.

در بین کتب اخلاقی نیز شهید مطهری تقوا را به معنای حفظ، صیانت و نگهداری ذکر کرده و بر این باور می‌باشد که تا آن زمان در ترجمه‌های فارسی این معنا لحاظ نشده است. همچنین، وی معتقد است که کسی تا به حال مدعی نشده که معنای تقوی، ترس یا پرهیز و اجتناب می‌باشد؛ بلکه چون لازمه صیانت خود از چیزی، ترک، پرهیز و ترس از آن امور است، در بعضی موارد به صورت مجازی در معنای پرهیز و ترس نیز استعمال شده است. با این همه، وی دلیلی بر این امر وجود نمی‌بیند و از این رو «خود نگهداری» را بهترین معادل برای آن ذکر می‌کند (مطهری، ۱۳۸۲: ۲۰-۱۹). همچنین، در شرح اصطلاحات عرفانی امام خمینی (ره)، همین معنا چنین بیان شده که تقوا به معنای محافظت خویش از آنچه به انسان زیان می‌رساند و کوشش بر اینکه انسان به محرمات و ممنوعات نزدیک نشود و خود را آلوده نسازد، بیان می‌گردد (تاجدینی، ۱۳۷۰: ۱۱۹). همچنین آیت‌الله مصباح‌یزدی درباره معنای این واژه با اشاره به مفهوم لغوی تقوا که خود نگهداری یا بازداشتن خویش از مطلق خطرات است، متعلق آن را در مباحث اخلاقی یا قرآن «سعادت و آخرت انسان» ذکر کرده و تأکید می‌کند که اتقاء - مصدر تقوا - در قرآن به معنای حفظ و بازداشتن خویش از خطری که انسان‌های دیگر متوجه شخص می‌کنند، می‌باشد. سپس وی در ادامه با این استدلال که چون افراد از خطری که متوجه دین آن‌هاست بیم دارند و سعی می‌کنند خود را از آن حفظ نمایند، مبدأ «اتقاء» را احساس بیم و ترس از خطر برشمرده و به خاطر همین منشأگیری، معتقدند که خوف در آن اشراب شده است و به همین دلیل هم می‌توان آن را به خدا ترسی معنا کرد. ایشان در ادامه با آسیب‌شناسی معنای پرهیز برای تقوا در زبان فارسی، بر این باورند که پرهیزگاری لازمه تقوا می‌باشد؛ چراکه لازمه حفظ خویش از گناه یا هر خطری، پرهیز و دوری از آن است (۱۳۹۰ الف: ۴۱؛ ۱۳۹۱ الف: ۱/ ۷۳؛ ۱۳۹۱: ۲/ ۲۴۳-۲۴۲). با این همه، ایشان در جایی دیگر معنای خاص تقوا را

«اجتناب از گناهان» و معنای عام آن را «انجام واجبات و ترک محرمات الهی» اظهار می‌دارند (۱۳۹۰: ب/۱/۴۱). بیان این نکته نیز خالی از وجه نیست که ایشان معتقدند تقوا در موارد مختلف و با متعلقات گوناگون، دارای یک مفهوم خواهد بود؛ چراکه تقوای از روز قیامت، یا از آتش و ... در حقیقت چیزی جز «تقوا» از خداوند نیست (۱۳۹۱ الف: ۷۳/۱). آیت‌الله مجتبی‌تهرانی نیز با تأکید بر برتری تقوا بر ورع به دلیل گسترده بودن دامنه شمول آن، معتقد است که تقوا پرهیز از محرمات و مشتی‌هاست می‌باشد (تهرانی، ۱۳۹۵: ۹۷). علیرضا پناهیان نیز در تحلیل واژه تقوا با تصریح بر معنای «مراقبت و محافظت» برای آن، به ذکر دو چهره برونی (ترس) و درونی (شوق) برای آن در مقام «انگیزه» اشاره کرده و با تأکید بر غالبیت چهره برونی بر درونی به دلیل در معرض دید بودن، معنای «ترس» را به خاطر تزریق انگیزه برای مراقبت، غلط بر نمی‌شمارد، اما درعین حال نظر دارد که اگر اصل آن را مراقبت بگیریم، دیگر دقیقاً به معنای «ترس» نخواهد بود. همچنین، وی در ادامه به غالبیت بُعد سلبی این واژه (پرهیز از انجام نواهی خدا: ترک بدی‌ها) در مقام عمل بر بُعد ایجابی (پرهیز از ترک اوامر خدا: اقدام به خوبی‌ها برای مراقبت از یک انگیزه خوب) آن اشاره کرده و براساس این دو نکته تقوا را محل جمع همه خوبی‌ها و ترک همه بدی‌ها بیان می‌دارد (پناهیان، ۱۳۹۲: ۲۵۳-۲۴۸). از همین جهت هم هست که برخی پرهیز و اجتناب را یکی از اصول زندگی بشر دانسته و تأکید دارند که در زندگی سالم نفی و اثبات، سلب و ایجاب، ترک و فعل مانند نفی و اثبات «لا اله الا الله» توأم هستند. لذاست که بدون نفی ماسوا، دم از توحید زدن ناممکن است و پرهیز از هر ضدی، عبور از ضدی دیگر می‌باشد (مهدوی‌کنی، ۱۳۸۹: ۱۲۳).

آنچه از کتب اخلاقی نیز در بیان معنای این واژه دریافت می‌شود، همان معانی مورد اشاره کتب لغت به همراه تفسیر است؛ یعنی در این کتب نیز معانی «حفظ و صیانت» یا «پرهیز کردن» برای این واژه قید شده است. همچنین در این کتب معنای «ترس» نیز با وجود برخی نقدها، یکی از وجوه معنایی واژه ذکر شده است.

۳-۵. بحث و تحلیل

در تحلیل معنای تقوا براساس آنچه که گذشت می‌توان گفت:

کلمه «تقوا» در اصل «وقوی» از ماده «وقایه» و اسم مصدر از فعل «اتَّقَى يَتَّقِي» و از مصدر «اتَّقَاء» در باب افتعال می‌باشد که گونه‌های مختلفی از آن در قرآن به کار رفته که در جدول ۱ ذکر شده است. همچنین، توجه در کتب لغت، تفسیر و اخلاق دلالت بر چند معنا برای این واژه در سطوح مختلفی دارد که در واقع تأییدکننده معانی صادر شده از آیت‌الله خامنه‌ای می‌باشد:

الف) از اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای و اشارات لغویان، مفسران و کتب اخلاقی، معنای «مراقبت کردن» برای «تقوا» مستفاد می‌شود؛ یعنی هرچند ممکن است این واژه با معنای ای همچون «حفظ کردن»، «صیانت کردن» و... ذکر شد باشد؛ اما همگی آن‌ها در این امر که تقوا به معنای این است که شخص در مواجهه با مشکلات و آسایش‌ها، نه تنها خمود و ساکن نیست؛ بلکه او با استقامت و پایداری به سمت جلو حرکت کرده و در عین حال دقت و مراقبت دارد که آن مشکلات، آسیب و آزاری را برای او فراهم نیاورد. لذاست که ایزوتسو تقوا را در میان اعراب پیش از اسلام به معنای دینی تعبیدی امروزی نمی‌داند و معتقد است که این واژه صرفاً دارای بُعد عرفی به معنای حفظ خود از آنچه که موجب آسیب می‌شود، بوده است (ایزوتسو، ۱۳۷۸: ۳۰۵). بنابراین اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای کاملاً مستند به کتب متقدم تا متأخر می‌باشد. همچنین، باید عنایت داشت که گزینش معنا «مراقبت کردن» از بین دیگر معانی از سوی آیت‌الله خامنه‌ای، بسیار راهبردی است؛ چراکه مفهوم اولیه‌ای که از مفاهیم دیگر به ذهن متبادر می‌شود، نوعی سکون می‌باشد؛ حال آنکه، خصوصیت موجود در تقوا به حواس جمعی در حرکت اشاره صریح دارد؛ امری که معانی دیگر بدان دلالت صریح ندارند. علاوه بر این‌ها، در تقوا نوعی «دقت بالا» نهفته شده که مفسرانی همچون فخررازی و صاحب الدرالمصون نیز با ذکر «شدت» مراقبت بدان اشاره داشته‌اند و این امری است که معظم‌له نیز بدان دقت داشته و باز با گزینش واژه‌ای مناسب، از آن به «هوشیاری» یاد می‌کنند. از این رو، معنای تقوا در نظر آیت‌الله خامنه‌ای عبارت است از: «مراقبت دائمی هوشیارانه از خود».

ب) در عرف و شرع مقدس نیز این واژه با همین معنا، یعنی «مراقبت کردن» بیان شده است. اما نکته متفاوت در این زمینه، متعلق‌های این مراقبت می‌باشد که مطالعه این امر در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای نیز دلالت صریح بر انطباق آن بر کتب پردازش شده در متن مقاله دارد؛ چراکه متعلق مراقبت در هر دو، انجام تکالیف خداوند و ترک محرمات است. بنابراین هرچند برخی عبارت دیگر، مانند «امیدوار به رحمت خداوند و پرهیزکننده از عذاب او»، «پرهیز کردن از شرک و دور شدن از نفاق» و... برای این واژه ذکر گردیده است؛ اما کاملاً روشن است که همه آن‌ها به نوعی تفسیر معنای پیشین می‌باشد؛ از این جهت این معانی نیز به آن معنای کلی و عام برمی‌گردد. در این بین معادل ارائه شده برای تقوا و دیگر مشتقات آن در زبان فارسی از سوی آیت‌الله خامنه‌ای، با چند چالش از سوی علمای اخلاق مواجه شده که به دلایلی که در ادامه می‌آید وارد نیستند.

ج) در بین بیانات آیت‌الله خامنه‌ای معادل «پرهیز» نیز برای تقوا و دیگر مشتقات آن در زبان فارسی وجود دارد که همان طور که گذشت، برخی مفسران و کتب اخلاقی نیز به صراحت بدان اشاره دارند. علت عبور از معادل‌های پیش گفته، به ویژه «مراقبت کردن» این است که ذکر آن‌ها برای فهم

بهرتر واژه هستند؛ اما برای «ترجمه»، واژه‌گزینی دارای مفهومی دیگری است که «پرهیز کردن» به‌طور مناسب آن را پوشش می‌دهد. در حقیقت این ترجمه که در ادای معنای این واژه بسیار رساتر و فصیح‌تر می‌باشد، از چند جهت زیر بر معنای پیش‌گفته ارجح است: اولاً: رسالت یک مترجم برگرداندن واژه به زبان مقصد با عبارت‌های موجود در خود زبان مقصد می‌باشد؛ ثانیاً: نه تنها تناسب بالایی با معنای «مراقبت کردن» دارد؛ بلکه به دلیل بهتر منتقل کردن حساسیت موجود در تقوا، بسیار رساتر از معنای پیش‌گفته، واژه تقوا را در زبان مقصد بازتاب می‌دهد که با این امر، به اصطلاح تعادل ترجمه در زبان مبدأ و مقصد برقرار می‌شود.

همان‌طور که نقل گردید، این معنا با دو چالش از سوی علمای اخلاق مواجه شده که به دلایل زیر آن دو وارد نیستند؛ اولاً درباره «عدم ادعای این معنا توسط کسی»، باید گفت همان‌طور که ذکر گردید، این معنا از طبری در قرن چهارم نیز ذکر شده و علامه مجلسی در بحارالانوار نیز این واژه را در لغت به نهایت خویشتن‌داری معنا کرده و در عرف آن را به معنای بازداشتن نفس از امور آزاردهنده در آخرت و حصر در امور مفید نقل کرده است» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۳۶/۶۷؛ ۷۴: ۲۹۳)، ثانیاً درباره چالش دوم که گفته شد این معنا، لازمه‌ی تقوا - و نه معادل آن - می‌باشد، باید عنایت داشت که اولاً خود ناقد محترم نیز از همین معادل «پرهیز» در ترجمه برخی آیات بهره برده است؛ برای مثال وی در آیه «فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَقَبَةَ لِلْمُتَّقِينَ» (هود: ۴۹) ترجمه «صبور باش که سرانجام (نیک)، مخصوص پرهیزکاران است» (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۱ الف: ۷۰/۱) و در آیه «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره: ۲) ترجمه «آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد و مایه هدایت پرهیزکاران می‌باشد» ذکر کرده است (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۰ الف: ۴۱). ثانیاً هرچند این نقد صحیح است؛ اما در آن صرفاً به بُعد «دوری کردن» این معادل توجه شده و از بُعد «مراقبت نمودن» آن غفلت شده است؛ چراکه همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، پرهیز یعنی «انجام و ترک یک فعل» و این یعنی یک پله بالاتر از صرف اجتناب کردن. بنابراین پرهیز با «حرکت» مجموعه‌ای است از دوری نمودن تا مراقبت کردن که با این معنا، معادل مورد عنایت ناقد نیز مستفاد می‌باشد. همچنین، نقد برخی دیگر از معانی در تحلیل ترجمه‌ها به صورت مبسوط ذکر شده است؛ بنابراین برای جلوگیری از اطباب‌نویسی، مطالب در آنجا آمده است.

۶. برگردان مشتقات ماده «وقی» در ترجمه‌های فارسی قرآن

از آنجاکه دامنه استعمال واژه «وقی» در قرآن بسیار بالا است، طبیعتاً نمی‌توان همه موارد را نقل و سپس تحلیل کرد؛ بنابراین در زیر سعی شده با احصای تمام معانی ارائه شده برای ۲۵۸ کاربرد آن توسط «فولادوند، مکارم، مشکینی و رضایی»، این معادل‌ها ارزیابی شود. همچنین، توجه به این

نکته ضروری است که هرچند برخی ترجمه‌های یادشده در فاصله اندکی از دیگری به زیور چاپ آراسته شده، اما برای رعایت دقت در ارزیابی تقدم و تأخر زمانی ترجمه‌ها نیز لحاظ گردیده است:

۶-۱. ترجمه مرحوم فولادوند

مرحوم فولادوند برای معادل‌یابی این واژه، ۹۹ بار معنای «پروا داشتن»، ۸۳ بار معنای «پرهیز کردن»، ۳۵ بار معنای «تقوا داشتن»، ۱۷ بار معنای «ترسیدن»، هفت بار معنای «نگه داشتن»، معنای «حمایت کردن» و «حفظ کردن» هریک چهار بار، سه بار معنای «مصون داشتن»، دو بار معنای «پاک بودن» و معنای «دفع کردن»، «در امان نگه داشتن»، «تقیه کردن» و «بدون ذکر معنایی» نیز هرکدام یک‌بار برای این واژه منظور شده است؛ برای مثال:

- «وَإِيَّاي فَاتَّقُونِ» (بقره: ۴۱): «و تنها از من پروا کنید.»
- «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره: ۱۸۳): «که پرهیزگاری کنید.»
- «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره: ۲): «این است کتابی که در [حقانیت] آن هیچ تردیدی نیست؛ [و] مایه هدایت تقوایبندگان می‌باشد.»
- «وَ اتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا» (بقره: ۴۸): «و بترسید از روزی که هیچ‌کس چیزی [از عذاب خدا] را از کسی دفع نمی‌کند.»
- «وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ» (بقره: ۲۰۱): «و ما را از عذاب آتش [دور] نگه دار.»
- «مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لَا وَاقٍ» (رعد: ۳۷): «در برابر خدا هیچ دوست و حمایت‌گری نخواهی داشت.»
- «وَ مَنْ تَقِيَ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ» (غافر: ۹): «و هر که را در آن روز از بدی‌ها حفظ کنی، البته رحمتش کرده‌ای.»
- «وَ وَقَاهُمْ رَبُّهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ» (طور: ۱۸): «و پروردگارش آن‌ها را از عذاب دوزخ مصون داشته است.»
- «فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (حج: ۲): «در حقیقت، آن [حاکمی] از پاک‌ی دل‌هاست.»
- «أَفَمَنْ يَتَّقِي بِوَجْهِهِ سُوءَ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (زمر: ۲۴): «پس آیا آن کس که [به‌جای دست‌ها] با چهره خود، گزند عذاب را روز قیامت دفع می‌کند [مانند کسی است که از عذاب ایمن است]؟»
- «سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» (آل‌عمران: ۱۹۱): «منزهی تو! پس ما را از عذاب آتش دوزخ در امان بدار.»

➤ «وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً» (آل عمران: ۲۸): «و هر که چنین کند، در هیچ چیز [او را] از [دوستی] خدا [بهره‌ای] نیست، مگر اینکه از آنان به نوعی تقیه کنید.»

۶-۲. ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی

بیش‌ترین پراکندگی در انتقال معادل برای ماده «وقی» در ترجمه ایشان مشاهده می‌شود؛ به‌نحوی‌که واژه مورد بحث، ۱۴۸ بار به معنای «پرهیز کردن [اعم از پرهیزکاری یا پرهیزید]»، ۶۴ بار به معنای «تقوا داشتن»، ۱۳ بار به معنای «ترسیدن»، ۱۱ بار به معنای «نگاه داشتن»، چهار بار به معنای «حفظ کردن» و «پرهیزیدن (و ترسیدن)»، به معنای «تقوا و پرهیزکاری» و «دور ساختن» هریک دو بار و به معنای «جلوگیری کردن»، «مدافع داشتن»، «مصون ماندن»، «باز داشتن» و «برکنار داشتن» هرکدام یک‌بار آمده است. علاوه بر این‌ها، در یک مورد (آیه ۲۸ سوره آل عمران) نیز معادلی ذکر نشده است. همچنین، پیش از ارائه مثال برای هریک معادل‌های مذکور، باید اذعان داشت که آیت‌الله مکارم در چهار موضع نیز ترجمه تفسیری از این واژه ارائه داده که چهار نمونه پایانی زیر را شامل می‌شود:

➤ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ» (آل عمران: ۱۰۲): «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آن‌گونه که حق تقوا و پرهیزکاری است، از خدا پرهیزید!»

➤ «وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (بقره: ۱۸۹): «و تقوا پیشه کنید، تا رستگار شوید!»

➤ «وَ إِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ» (بقره: ۲۰۶): «و هنگامی که به آن‌ها گفته شود: «از خدا بترسید!»»

➤ «وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ» (بقره: ۲۰۱): «و ما را از عذاب آتش نگاه دار!»»

➤ «وَ جَعَلَ لَكُم سَرَائِلَ تَقِيكُمْ الْحَرَّ» (نحل: ۸۱): «و برای شما پیراهن‌هایی آفریده که

شما را از گرما (و سرما) حفظ می‌کند.»

➤ «وَ اتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ» (بقره: ۲۸۱): «و از روزی پرهیزید (و بترسید) که

در آن روز، شما را به سوی خدا بازمی‌گردانند.»

➤ «أَفَمَنْ يَتَّقِي بِوَجْهِهِ سُوءَ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (زمر: ۲۴): «آیا کسی که با صورت

خود عذاب دردناک (الهی) را در روز قیامت دور می‌سازد.»

➤ «مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لَا وَاقٍ» (رعد: ۳۷): «هیچ‌کس در برابر خدا، از تو حمایت

و جلوگیری نخواهد کرد.»

➤ «وَ مَا كَانَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ» (غافر: ۲۱): «و در برابر عذاب او مدافعی نداشتند!»

➤ «وَ مَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (تغابن: ۱۶): «و کسانی که از بخل و

حرص خویشتن مصون بمانند، رستگارند!»

➤ «وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (حشر: ۹): «کسانی که از بخل و حرص نفس خویش باز داشته شده‌اند، رستگارانند!»

➤ «فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ» (مزمّل: ۱۷): «شما (نیز) اگر کافر شوید، چگونه خود را (از عذاب الهی) برکنار می‌دارید؟!»

➤ «وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً» (آل عمران: ۲۸): «و هرکس چنین کند، هیچ رابطه‌ای با خدا ندارد (و پیوند او به‌کلی از خدا گسسته می‌شود)؛ مگر اینکه از آن‌ها بپرهیزد (و به‌خاطر هدف‌های مهم‌تری تقیه کنید).»

➤ «سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ» (مؤمنون: ۸۷): «به‌زودی خواهند گفت: «همه این‌ها از آن خداست!» بگو: «آیا تقوا پیشه نمی‌کنید (و از خدا نمی‌ترسید و دست از شرک بر نمی‌دارید)؟!»

➤ «فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» (شمس: ۸): «سپس فجور و تقوا (شرّ و خیرش) را به او الهام کرده است.»

➤ «وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (آل عمران: ۱۲۳): «خداوند شما را در «بدر» یاری کرد (و بر دشمنان خطرناک، پیروز ساخت)؛ درحالی‌که شما (نسبت به آن‌ها)، ناتوان بودید. پس، از خدا بپرهیزید (و در برابر دشمن، مخالف فرمان پیامبر نکنید)، تا شکر نعمت او را به‌جا آورده باشید!»

۳-۶. ترجمه آیت‌الله مشکینی

در این ترجمه نیز برای معنای این ماده، شاهد معادل‌هایی از جمله «پروا داشتن: ۱۱۵ بار»، «پرهیز کردن [پرهیزکاری - پرهیزیدن]: ۸۶ بار»، «تقوا پیشه‌کردن: ۳۵ بار»، «نگاه داشتن: ۱۷ بار» «مصون بودن: دو بار»، «پارسایان: یک‌بار»، «تقیه نمودن: یک‌بار» و «بدون ذکر ترجمه یک‌بار» هستیم؛ برای مثال:

➤ «أَفَغَيْرَ اللَّهِ تَتَّقُونَ» (نحل: ۵۲): «پس آیا از غیر خدا پروا می‌دارید؟!»

➤ «بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ» (آل عمران: ۷۶): «چرا، (مسلمین را بر شما حق است، زیرا) هر که به پیمان خود (در تعهد به دین) وفا نمود و تقوا پیشه کرد، بی‌تردید خداوند پرهیزکاران را دوست دارد (و دوست خدا را بر غیرش حق است).»

➤ «وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ» (غافر: ۷): «و آن‌ها را از عذاب جهنم نگه دار.»

➤ «وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (حشر: ۹): «و کسانی که از بخل نفس خود مصون مانند آن‌ها هستند که رستگارند.»

➤ «أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ» (ص: ۲۸): «یا پارسایان را مانند گنهکاران می‌سازیم؟!»

➤ «وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً» (آل عمران: ۲۸): «و

هرکس چنین کند در هیچ رابطه‌ای با خدا نیست، مگر آنکه بخواهید از آنان به نحوی تقیه کنید.»

۴-۶. ترجمه دکتر رضایی اصفهانی

در ترجمه رضایی اصفهانی در برگردان این ماده شاهد پراکندگی کمتری نسبت به دیگر مترجمان هستیم؛ بدین ترتیب که ۱۲۰ مرتبه «حفظ کردن»، ۴۵ مرتبه «پارسایان (خود نگهدار)»، ۳۳ مرتبه «خود نگهداری (و پارسایی)»، ۲۷ مرتبه «پارسایی (و خود نگهداری)»، ۲۱ مرتبه «خود نگهداری»، نه مرتبه «نگاه داشتن»، دو مرتبه «پارسایی»، و یک مرتبه «تقیه کردن» را به‌عنوان معادل برای مشتقات این ماده در نظر گرفته است؛ برای مثال:

➤ «وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» (توبه: ۳۶): «و بدانید که خدا با پارسایان (خود نگهدار

است.»

➤ «وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ» (توبه: ۴۴): «و خدا به (حال خود نگهداران و) پارسایان

دانا است.»

➤ «وَنَجَّيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ» (فصلت: ۱۸): «و کسانی را که ایمان آوردند و

همواره پارسایی (و خود نگهداری) می‌کردند، نجات دادیم.»

➤ «اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ» (آل عمران: ۱۰۲): «[خودتان را] از [عذاب] خدا حفظ کنید،

آن‌گونه که حق خود نگهداری از (عذاب) اوست.»

➤ «وَمَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ» (رعد: ۳۴): «و برای آنان، در برابر (عذاب) خدا، هیچ

نگهدارنده‌ای نیست.»

➤ «لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ» (آل عمران: ۱۷۲): «برای کسانی از آنان، که

نیکی کردند و پارسایی نمودند، پاداشی بزرگ است.»

➤ «وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً» (آل عمران: ۲۸):

«پس در هیچ چیز از [رابطه با] خدا [او را بهره‌ای] نیست. مگر آنکه با تقیه‌ای (خودتان را) از آنان

حفظ کنید.»

۷. بررسی و تحلیل ترجمه‌ها

بررسی و تحلیل ۲۵۸ مرتبه‌ای که ماده «وقی» در چهار ترجمه «مرحوم فولادوند، آیت‌الله مکارم شیرازی، مرحوم آیت‌الله مشکینی و رضایی اصفهانی» بکار رفته، نشان‌گر ۲۴ معنا بصورت زیر است:

۷-۱. معادل‌های ضعیف

الف) بدیهی‌ترین ضعف در این معادل‌یابی را می‌توان در عدم معنایابی واژه‌ی «تتقوا» در آیه‌ی «إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً» بدلیل وجود واژه‌ی هم‌ریشه‌ی آن، یعنی «تقاة» در کنار آن بیان داشت؛ امری که در ترجمه‌های «فولادوند، مکارم و مشکینی» مشاهده می‌شود. این درحالی است که با توجه به بافت متنی آیه، آن کلمه قابل معادل‌یابی است؛ کما اینکه برخی از مترجمان - فارغ از درستی یا نادرستی معنا - آن را بصورت مفعول مطلق تأکید و برخی دیگر با ذکر معنا، آن را چنین ترجمه کرده‌اند؛ مانند:

○ ... مگر این‌که به راستی از آنان بترسید. (صفوی)

○ مگر آنکه با تقیه‌ای (خودتان را) از آنان حفظ کنید. (رضایی)

در این بین، ترجمه‌ی صفوی از فصاحت بیشتری برخوردار است؛ چراکه واژه «تقاة» مفعول مطلق تأکید از «تتقوا» است و برای روانی ترجمه، چنین ترجمه‌ای بهتر است.

ب) «ترسیدن»: بازتاب این معنا که فولادوند و مکارم روی هم‌رفته ۳۰ بار بدان اهتمام داشته‌اند، اشتباهی فاحش در معادل‌یابی این واژه محسوب می‌شود؛ چراکه «مفهوم خدا ترسی، [به معنای واهمه‌داشتن - کسی که در زندگی خود قصوراتی دارد- از خداوندی که به جزئیات اعمال ما بصیر بوده و در قضاوتش نیز بسیار عادل است، در قرآن بصورت] «فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَ اِخْشَوُا» (مانده، ۴۴)، «وَ خَافُونَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران، ۱۷۵) [وجود دارد]؛ (بیانات در اجتماع تغییر نام ورزشگاه مشهد به نام «غلامرضا تختی» توسط آیت‌الله خامنه‌ای، در تاریخ: ۱۳۵۷/۰۸/۱۶)

ج) «پاکی»: درباره‌ی این معنا هم که تنها از سوی فولادوند در دو آیه زیر صادر شده، باید گفت که هرچند شاید بتوان توجیهی برای صحت آن ذکر کرد، اما تا زمانی که امکان معادل‌یابی واژه با معنای اولیه‌ی میسر است، دلیلی برای عبور کردن از آن وجود ندارد؛ کما اینکه برخی از مترجمان نیز معنای دیگری را برای آن دو ارائه داده‌اند. همچنین، باید دقت کرد که «پاکی» به نوعی نتیجه‌ی تقوا محسوب می‌شود نه معنای آن.

○ «فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ»: «کارشان نشان پرهیزگاری دل‌هایشان باشد.» (آیتی)

○ «وَ سَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى» (لیل، ۱۷) : «و به زودی پرهیزکارترین [مردم] را از آن دور

می‌دارند.» (انصاریان)

د) «تقوا پیشگی»: استفاده از خود واژه‌ی «تقوا» برای معنای «تقوا» که مجموعاً ۱۳۴ بار از سوی فولادوند، مکارم و مشکینی ذکر شده، مناسب نیست؛ چراکه در ترجمه باید واژه را صحیح و دقیق به زبان مقصد برگردانیم، نه اینکه همان واژه را که در زبان مبدأ است و مخاطبان زبان مقصد نسبت به

آن دارای ابهام هستند، به همان صورت برگردانیم. لذا چنین معنایی نه تنها سبب اقناع و فهم مخاطب نمی‌شود، بلکه عملاً ابهاماتی را نیز در ذهن خواننده شکل می‌دهد. همچنین، گفتنی است که امکان معادل‌یابی آن آیات - که چنین ترجمه شده‌اند - با معنای حقیقی آن‌ها در زبان مقصد کاملاً ممکن است؛ از این‌روست که رضایی در هیچ موضعی چنین عمل نکرده است. به عنوان مثال در زیر می‌توان یک مورد از هرکدام از ترجمه‌های فولادوند، مکارم و مشکینی را که خرمشاهی معادل موجود در زبان مقصد را برای آن‌ها برگزیده، مشاهده نمود:

○ « وَ صَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ » (طه، ۱۱۳): « و در آن گونه گونه هشدار

آوردیم، باشد که پروا پیشه کنند. »

○ « إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقُونَ » (شعرا، ۱۰۸): « چنین بود که به قومش گفت آیا پروا نمی‌کنید. »

○ « وَ الْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى » (طه، ۱۳۲): « و سرانجام نیک، با پروا و پرهیز است. »

۳-۷. معادل‌های تقریبی

هـ) «پروا داشتن»: این معنا یکی از پرکاربردترین معادل‌هایی است که مجموعاً در ترجمه‌های فولادوند و مشکینی ۲۱۴ بار برای واژه‌ی تقوا استفاده شده است. این معادل کاملاً معنای تقوا را در متن مقصد بازتاب می‌دهد اما بزرگترین مشکل آن نامأنوس و مصطلح نبودن آن است که ظاهراً مکارم و رضایی به این امر توجه داشته‌اند و لذا از این معادل اصلاً استفاده نکرده‌اند. آیت الله خامنه‌ای نیز درباره‌ی این معنا می‌فرماید: بنده آن سال‌های قدیم تقوا را پرواگرفتن و پرواداشتن معنا می‌کردم،^۳ اما بعد فکر کردم دیدم عبارت پرواکاران و پروامندان يك عبارت نامأنوسی است و هیچ مصطلح نیست، یعنی آن موسیقی لغت باید بر گوش سنگینی نکند، باید زیبا به گوش برسد تا رایج شود و این یکی از رازهای واژه‌گزینی است. (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۰۷/۲۴) جدای از این، معنای غالب و مشهور این واژه در زبان فارسی همان «ترس» و «هراس» است (عمید، ۱۳۸۹: ۳۵۷؛ دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۶: ۱۲۴؛ معین، ۱۳۸۶: ۴۷۶) که خواننده و شنونده در وهله‌ی نخست همان را به ذهن متبادر می‌کند و همان‌طور که گذشت، ترس معنایی مناسب برای این واژه محسوب نمی‌شود.

و) «پارسایی»: این معادل‌ها بصورت «پارسایی»، «پارسایان (خود نگهدار)»، «خود نگهداری (و پارسایی)»، «پارسایی (و خود نگهداری)» تنها در ترجمه‌ی رضایی و یک بار هم در ترجمه‌ی مشکینی بصورت «پارسایی» ذکر شده است. این واژه گرچه یکی از واژگان قدیمی به معنای پاکدامنی و دوری از پلیدی‌ها محسوب می‌شود و حتی معنای پرهیزکاری را نیز در خود دارد؛ (عمید، ۱۳۸۹ ش: ۳۵۷؛ دهخدا، ۱۳۷۷ ش، ج ۶: ۱۲۴؛ معین، ۱۳۸۶ ش، ج ۱: ۴۷۶) اما

در ذهن خواننده موسیقی و شیوایی و رسایی واژه تقوی را نداشته و تمام بارمعنایی این واژه را نمی‌توانند منتقل نمی‌سازد.

ز) «خودنگهداری»: این معنا به همراه دیگر معادل‌های همسو که «نگاه‌داشتن»، «حفظ‌کردن»، «مصون‌داشتن»، «در امان»، «حمایت‌کردن»، «دفع‌کردن»، «جلوگیری‌کردن»، «دور ساختن»، «برکنار داشتن»، «باز داشتن» هستند، مکرر در چهار ترجمه یاد شده برای این واژه بازتاب داده شده‌اند که جدای از اینکه شاید بتوان با برخی توجیحات تمام آن‌ها را در معنای تقوا برشمرد؛ اما از بین آنها، معنای «خودنگهداری» مناسب‌ترین معادل ارزیابی می‌شود؛ چراکه معنای «جلوگیری‌کردن»، «دور ساختن»، «برکنار داشتن» و «باز داشتن» مفهوم تقوا را آن گونه که شایسته این واژه است، در زبان مقصد بازتاب نمی‌دهند؛ چراکه در تقوا مراقبت در حرکت وجود دارد، اما از این معنای، توقف در حرکت بیشتر برداشت می‌شود. ثانیاً معنای «حفظ‌کردن»، «مصون‌داشتن»، «در امان» و «دفع‌کردن» معادل کلمه‌ای دیگر در زبان عربی هستند؛ مثلاً

○ حفظ کردن: «لَهُ مَعْقَبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ» (رعد، ۱۱).

○ دفع کردن: «ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ» (مؤمنون، ۹۶).

○ در امان بودن: «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» (آل‌عمران، ۹۷).

○ مصون داشتن: «وَ عَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِيُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ

شَاكِرُونَ» (انبیاء، ۸۰).

ثالثاً معادل «نگه‌داشتن» با وجودی که تقریباً اشکالات موارد یاد شده را ندارد، اما آن بار معنایی «تقوا» را که تعبیر «خودنگهداری» نسبتاً خوب پوشش می‌دهد، به همراه ندارد؛ زیرا همان‌طور که گذشت، تقوا به معنای مراقب خود بودن است و طبیعتاً از بین «نگه‌داشتن» و «خودنگهداری»، معنای دوم خیلی بهتر آن را منعکس می‌کند. با این وجود، اگر آن اشکال که در تحلیل معنای «حفظ‌کردن» ذکر شد، وجود نمی‌داشت، این معادل نیز نسبت به «نگاه‌داشتن» بهتر می‌بود؛ چراکه حساسیت موجود در تقوا را بهتر به ذهن مخاطب متبادر می‌کند. همچنین، معادل‌های «مواظبت‌کردن» یا «مراقبت‌کردن» نیز خیلی بهتر از «نگاه‌داشتن» و «حفظ‌کردن» است؛ زیرا اولاً معنای حقیقی واژه محسوب می‌شوند. آیت‌الله خامنه‌ای نیز بدان اشاره دارند و می‌فرمایند: «تقوا، یعنی مراقبت از این‌که مبدا در نقطه‌ای قدم بگذاریم که بلغزیم و در لجه‌ای که دیگر قابل نجات نیست، فرو افتیم.» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۹/۰۹/۱۷) بنابراین «اتَّقُوا اللَّهَ» یعنی مراقب خدا باشید؛ مواظب باشید که خدای متعال متوجه شماست» (پیشین). ثانیاً با آن معادل‌های همسو هم‌مفهوم است؛ ثالثاً موسیقی بسیار مناسب‌تری نسبت به آن معانی در ذهن مخاطب ایجاد می‌کنند. بنابراین

هرچند این معانی ترجمه‌ی صحیحی از این واژه محسوب می‌شوند اما ترجمه‌ی اتم نیستند که در ادامه به آن معادل برتر اشاره خواهد شد.

۴-۷. معادل برگزیده

پیش از ارائه و تحلیل معنای برتر برای واژه تقوا، ذکر این نکته ضروری است که یکی از ساخت‌های این واژه «تقا» در آیه «إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاتُوا» (آل عمران: ۲۸) می‌باشد، در برخی ترجمه‌ها با معادل «تقیه کردن» بازتاب داده شده است. این معادل هرچند با توجه به بافت متنی آیه مفهومی صحیح برای واژه خواهد بود، اما باید عنایت داشت که این امر تفسیر معنای تحت‌اللفظی واژه محسوب می‌شود و اعتنا به معنای تحت‌اللفظی هیچ‌گونه خللی به این تفسیر وارد نمی‌سازد؛ چراکه آن معنا دقیقاً تعریف «تقیه» خواهد بود. از این‌روست که مکارم برخلاف فولادوند، مشکینی و رضایی به همین صورت آن اعتنا کرده و در ترجمه آیه آورده است: «مگر اینکه از آن‌ها بپرهیزید (و به‌خاطر هدف‌های مهم‌تری تقیه کنید)». خالی از وجه هم نیست که ترجمه صفوی از این عبارت نیز ذکر گردد: «مگر اینکه به‌راستی از آنان بترسید.» با این همه در جدولی که در ادامه خواهد آمد، معادل مناسب این واژه ذکر خواهد شد.

ح) «پرهیز کردن»: این معنا به‌صورت «پرهیزکاری» و حالت‌های مختلف مضارع و امر آن در ترجمه‌های فولادوند، مکارم و مشکینی به‌کار گرفته شده است. این معنا بهترین معادل برای ترجمه این ماده ارزیابی می‌شود، زیرا همان‌طور که ذکر شد معنای پرهیز همان مراقبت یا مواظبت کردن است. با این همه باید توجه داشت که معنای پرهیزکاران معنای اتم واژه محسوب نمی‌گردد؛ بنابراین اینجاست که آیت‌الله خامنه‌ای با تأیید معنای «پرهیز»، معادل «پرهیزمندان» را برای این واژه پیشنهاد داده و می‌فرماید: چون پرهیزکاران در ترجمه متقین زیاد تکرار شده و در ذهن‌ها آن حساسیت لازم را به معنا برنمی‌انگیزد، من ترجیح دادم بگوئید پرهیزمندان (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۰۷/۲۴). گفتنی است که این ترجمه قابل‌تسری به تمام کاربردهای قرآنی واژه می‌باشد؛ از این‌رو در جدول زیر برای هریک از مشتقات گوناگون این واژه ترجمه‌ای پیشنهاد می‌شود:

واژگان	نوع ساختار	آیه	ترجمه پیشنهادی
متقی (متقین و متقون)	اسم فاعل	«وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ» (بقره: ۱۷۷)	و آنان همان پرهیزمندانند.

تُقَاتِهِ	جمع اسم فاعل (ثلاثی) مجرد/مصدر باب افتعال	«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ» (آل عمران: ۱۰۲)	ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آن‌گونه که حق پرهیزمندی است، از [ترک اوامر و انجام نواهی] خدا بپرهیزید.
اتقی (اتقاکم)	اسم تفصیل	«إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات: ۱۳)	برترین شما نزد خدا پرهیزمندترین شماست.
اتَّقُوا	فعل ماضی تام	«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَاتَّقَوْا...» (مائده: ۶۵)	و اگر اهل کتاب ایمان می‌آوردند و پرهیزمندی می‌کردند ...
تَقِيًّا	صیغه مبالغه	«وَ حَنَانًا مِنْ لَدُنَّا وَ زَكَاةً وَ كَانَ تَقِيًّا» (مریم: ۱۳)	و او پرهیزمندترین [افراد] بود.
وَقِي (وَقَاهُمْ وَ وَقَانَا)	فعل ماضی	«فَمَنْ لَلَّهِ عَلَيْنَا وَ وَقَانَا عَذَابَ السَّمُومِ» (طور: ۲۷)	پس خدا بر ما منت نهاد و ما را از آتش سوزان پرهیز داد.
اتَّقُوا (اتَّقُونَ، يتقين، اتَّقون، اتق، اتقوه، اتقين و قُوا)	فعل امر	«وَ اتَّقُوا اللَّهَ» (بقره: ۲۸۱)	و از [ترک اوامر و انجام نواهی] خدا بپرهیزید.
تتقوا (تتقون، اتقيتن)	فعل مضارع	«أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَمْ فَلَا تَتَّقُونَ» (مزمّل: ۱۷)	... پس آیا (از پرستیدن غیر او) پرهیز نمی‌کنید؟!!
تقوی	اسم مصدر از اتقاء در باب افتعال	«أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَى» (علق: ۱۲)	یا به پرهیزمندی وادارد.

و هر که را از بدی‌های آن روز پرهیزانی، قطعاً مشمول رحمتش کرده‌ای.	«وَمَنْ تَقِ السَّبَّاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ» (غافر: ۹)	فعل	تَقِ
مگر اینکه به‌راستی از (اظهار باور قلبی خود در برابر) آنان پرهیزید (تقیه کنید).	«إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاتَهُ» (آل‌عمران: ۲۸)	اسم مصدر از اتقاء در باب افتعال	تُقَاتَهُ

۸. نتیجه‌گیری

حاصل پژوهش حاضر پس از تحلیل و بازپژوهی اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای درباره واژه «تقوا» و تطبیق آن بر ترجمه‌های فارسی معاصر از آن و ارزیابی این برگردان‌ها، این شد که:

- آیت‌الله خامنه‌ای معنای تقوا را مراقبت هوشمندانه از رفتار و اعمال خود ذکر کرده و در ترجمه آن، عبارت «پرهیز کردن» را به دلیل «ضرورت واژه‌گزینی برای ترجمه» و «زیبایی آن در سنگین نبودن بر گوش مخاطب» گزینش می‌کنند. در این بین ایشان با یک نوآوری، معنای «پرهیزمندان» را نیز به دلیل «برانگیختن همان حساسیت موجود در معنای تقوا» بر «پرهیزکاران» ترجیح می‌دهند.

- بررسی و تفحص در کتب لغت، تفسیر و اخلاق نیز دلالت بر درستی معنا و ترجمه ارائه شده از سوی آیت‌الله خامنه‌ای دارد؛ چراکه معنای این واژه در کتب لغت مشهور «مراقبت» و در نزد عموم مفسران و کتب اخلاق «پرهیز کردن» است.

- معنای «پرهیز کردن» بهترین معادل این واژه محسوب می‌شود؛ درحالی‌که در ترجمه‌های «فولادوند، مکارم، مشکینی و رضایی» معادل‌ها «ترسیدن»، «پاکی»، «تقوایب‌پیشگی»، «تقیه کردن»، «پروا داشتن»، «پارسایی»، «خودنگهداری (نگاه داشتن، حفظ کردن، مصون داشتن، در امان ماندن، حمایت نمودن، دفع کردن، جلوگیری نمودن، دور ساختن، برکنار داشتن و باز داشتن)»، «پرهیز کردن» و «گاهی بدون ذکر معادل» برای واژه «تقوا» بازتاب داده شده‌اند که تحلیل آن‌ها نشان‌دهنده ضعف آن‌ها در امور مختلفی است. با این حال، مکارم این معادل را نسبت به دیگر مترجمان بسیار بیش‌تری در ترجمه خود بازتاب داده است؛ از این رو در بین ترجمه‌های مورد بررسی، موفق‌تر عمل کرده است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. متأسفانه این ضعف معنایی نه تنها در ترجمه‌های متقدم مشاهده می‌شود، بلکه در ترجمه‌های فارسی معاصر نیز تکرار شده است. نک: ترجمه‌های: دهلوی، الهی‌قمش‌ای، فولادوند، مکارم، مشکینی، رضایی‌اصفهان‌ی و صفوی.

۲. گفتنی است که مطالعه بیانات آیت‌الله خامنه‌ای درباره معنای واژه تقوا دلالت دارد که ایشان تأکید فراوانی بر معنای «مراقبت داشتن» دارند (برای نمونه، نک: بیانات در تاریخ‌های ۱۳۷۰/۱۰/۰۸؛ ۱۳۷۱/۰۸/۲۸؛ ۱۳۷۵/۱۰/۲۸؛ ۱۳۷۸/۰۳/۱۰؛ ۱۳۸۳/۰۷/۱۳؛ ۱۳۸۳/۰۸/۲۰؛ ۱۳۸۵/۰۷/۱۸ و...).

۳. برای مشاهده این مورد می‌توان به کتاب کتاب «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» مراجعه کرد.



منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آیتی، عبدالمحمد (۱۳۷۴). *ترجمه قرآن*. تهران: انتشارات سروش.
۳. ابن فارس، احمد، *معجم مقاییس اللغة* (۱۴۰۴ق). محقق: محمد عبدالسلام هارون. چاپ اول. قم: مکتب الأعلام الإسلامي.
۴. ابن منظور، محمدبن مکرّم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. چاپ سوم. بیروت: دار صادر.
۵. انصاریان، حسین (۱۳۸۳). *ترجمه قرآن*. ج ۱. قم: اسوه.
۶. ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۷۸). *مفاهیم اخلاقی-دینی در قرآن مجید*. چاپ اول. مترجم: فریدون بدره‌ای. تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز.
۷. بلاغی، محمدجواد (بی تا). *آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن*. چاپ اول، قم: وجدانی.
۸. پناهیان، علیرضا (۱۳۹۲). *شهر خدا (رمضان و روزه‌های روزهداری)*. چاپ هفتم. تهران: مؤسسه عصر بیان معنوی.
۹. تاجدینی، علی (۱۳۷۰). *مفتاح نور (شرح اصطلاحات عرفانی امام خمینی (ره))*. چاپ اول. تهران: انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۰. تهرانی، مجتبی (۱۳۹۵). *مجموعه‌ی اخلاقی ربانی: خوف و رجا*. چاپ اول. تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی پژوهشی مصابیح الهدی.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). *تسنیم*. محقق: علی اسلامی. چاپ ششم. قم: انتشارات اسراء.
۱۲. حسینی زبیدی، محمدمرتضی (۱۴۱۴ق). *تاج العروس*. چاپ اول. محقق: علی شیری، بیروت: دارالفکر.
۱۳. خامنه‌ای، علی (۱۳۹۲). *تفسیر سوره‌ی براءت*، چاپ اول. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۱۴. خامنه‌ای، علی (۱۳۹۲). *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن*، چاپ پنجم. تهران: صهبا.
۱۵. خامنه‌ای، علی (۱۳۹۲). *مجموعه بیانات رهبر حکیم انقلاب اسلامی در قبل و بعد از انقلاب*.
۱۶. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغتنامه*. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات ألفاظ القرآن*. چاپ اول. بیروت: دارالقلم.
۱۸. رضایی اصفهانی، محمدعلی و همکاران (۱۳۸۳). *ترجمه قرآن*. چاپ اول. قم: مؤسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر.
۱۹. سمین، احمد بن یوسف (۱۴۱۴ق). *الدر المصون فی علوم الكتاب المکنون*. محقق: احمد محمد صیره، ج ۱. بیروت: دار الکتب العلمیة.
۲۰. صفوی، محمدرضا (۱۳۸۸). *ترجمه قرآن*. چاپ اول. قم: آبنوس.
۲۱. طباطبائی، محمّدحسین (۱۳۹۰). *المیزان فی تفسیر القرآن*. چاپ دوم. قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیّه.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. چاپ سوم. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۲۳. طبری، ابوجعفر (۱۴۱۲ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. چاپ اول. بیروت: دارالمعرفة.
۲۴. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. چاپ سوم. محقق: احمد حسینی اشکوری. تهران: مرتضوی.

۲۵. طوسی، محمد (بی‌تا). التبیان فی تفسیر القرآن. محقق: احمد قصیر عاملی. چاپ اول. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۶. عمید، حسن (۱۳۸۹). فرهنگ فارسی. تهران: راه رشد.
۲۷. فخرزای، ابوعبدالله (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب. چاپ سوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۸. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). کتاب العین. چاپ دوم. قم: نشر هجرت.
۲۹. فضل‌الله، محمدحسین (۱۴۱۹ق). تفسیر من وحی القرآن. چاپ اول. بیروت: دار الطباعة والنشر.
۳۰. فولادوند، محمد مهدی (۱۴۱۵ق). ترجمه قرآن. محقق: هیئت علمی دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی). چاپ سوم. تهران: دار القرآن الکریم.
۳۱. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکیبیر. چاپ دوم. قم: مؤسسه دارالهجره.
۳۲. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار، چاپ دوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۳. مشکینی، علی (۱۳۸۱). ترجمه قرآن. چاپ دوم. قم: الهادی.
۳۴. مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱الف). اخلاق در قرآن. محقق و نگارنده: محمدحسین اسکندری. چاپ پنجم. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).
۳۵. مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱الف). انسان‌سازی در قرآن. تنظیم و تدوین: محمود فتحعلی. چاپ سوم. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).
۳۶. مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۹۰ب). پند جاوید: شرح وصیت امیرالمؤمنین علی علیه السلام به فرزندش امام حسن مجتبی علیه السلام. نگارنده: علی زینتی. چاپ چهارم. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).
۳۷. مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱ب). ره‌توشه. محقق و نگارنده: کریم سبحانی. چاپ ششم. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).
۳۸. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. چاپ اول. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۹. معین، محمد (۱۳۸۶). فرهنگ فارسی. گردآورنده: عزیزالله علی‌زاده. چاپ چهارم، تهران: پارس نوین.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۳). ترجمه قرآن، چاپ دوم. قم: دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).
۴۱. مطهری، مرتضی (۱۳۷۳) ده گفتار. تهران: انتشارات صدر.
۴۲. مهدوی کنی، صدیقه (۱۳۸۹). ساختار گزاره های اخلاقی قرآن (رویکردی معناشناختی). ج ۲. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۴۳. ناصری، مهدی، قرآن کریم با ترجمه محمد علی رضایی اصفهانی و همکاران، ترجمه معاصر وفادار به زبان فارسی، مجله مطالعات ترجمه‌ی قرآن و حدیث، دوره ۱، شماره ۱، صفحات ۱۷۷-۱۴۷.
۴۴. نهاوندی، محمد (۱۳۶۸). نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن. چاپ اول، قم: مؤسسه البعثة.